■ سال بیست‌وهشتم ■ شماره ۷۸۹۱ ■ چهارشنبه ■ ۳۱ فروردین ۱۴۰۱

ایران

صاحب امتیاز:
خبرگزاری جمهوری اسلامی

تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ نمابر: ۸۸۷۶۱۲۵۴ ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵
پیامک: ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی / نشانی: تهران خیابان خرمشهر،شماره ۲۰۸
صندوق پستی: ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵ / امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰
چاپ: شرکت چاپ جام‌جم / سازمان چاپ و انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی/ چاپخانه همشهری ۲
سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
تهران خیابان خرمشهر شماره ۱۶ / پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ (۰۲۱)
انتشارات موسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران: ۵-۸۸۵۴۸۸۹۲
http://irannewspaper.ir

اذان ظهر ۱۳/۰۳ | اذان مغرب ۲۰/۰۱ | نیمه شب شرعی ۰۰/۱۸ | اذان صبح فردا ۰۴/۵۵ | طلوع آفتاب فردا ۶/۲۴

سخن روز

رسول اکرم(ص):
بار خدایا برای تو روزه گرفتیم و با روزی تو افطار می‌کنیم، پس آن را از ما بپذیر، تشنگی رفت و رگ‌ها شاداب شد و پاداش ماند.
کافی، ج ۴، ص ۹۵، ح ۱

باید دوباره کلمات را معنا کنیم



عبدالحمید قدیریان: کسب این عنوان و همین که به‌عنوان هنرمند انقلاب مطرح شده‌ام به نظرم باعث می‌شود فضای گفتمانی پیدا کنم و بتوانم اهدافی را که سال‌ها در مصاحبه‌هایم داشتم و دنبال کردم، با اختیار مطرح کنم. همان‌طور که رهبر معظم انقلاب بارها تأکید کردند و گفتند در عرصه فرهنگ و هنر نیاز به تبیین ریشه‌ای درباره تعاریف و معناها داریم. به این معنا که باید دوباره کلمات را معنا کنیم، همیشه گفته‌ام کاش این اتفاق بعد از انقلاب فرهنگی می‌افتاد تا ما با دوباره معنا کردن کلمات سطح معانی را ارتقا دهیم، زیرا نظام جمهوری اسلامی ایران امروز ایده‌های بزرگ و ادعای معناسازی دارد و باید این اتفاق متکی بر پشتوانه‌های معرفتی باشد. همچنین باید ترجمه‌های عمیقی درباره مباحث قرآنی و حدیثی صورت بگیرد، چراکه این مباحث فکری ارتباط مستقیمی با هنر دارد و باید به این فضا راه یابد.

بخشی از صحبت‌های این نقاش و چهره سال هنر انقلاب در گفت‌وگو با ایسنا

گفتمان گِله، کجا را هدف گرفته است؟

یادداشت



مهدی توکلیان
عکاس و روزنامه‌نگار

گفتمان گِله، گرهی را باز نخواهد کرد. مدت مدیدی است که ادبیات رایج گفتمان نخبگان و توده مردم در محافل و میهمانی‌ها و حتی در گپ‌وگفت‌های بسیار محدود و صمیمی، دال بر این موضوع است. گفتمان گِله و به عبارت دیگر گفتمان غرولند از تمام شرایط موجود. تلنگر این موضوع را یکی از دوستان باسابقه در عرصه فرهنگ و رسانه یادآوری کرد و با آنکه در نگاه معقول باید تمام دارایی‌هایمان را به حساب بیاوریم اما تنها نیمه خالی لیوان چشم‌ها را پر می‌کند و همین ندیدن‌ها یا کمتر دیدن‌ها از تمام داشته‌ها و سرمایه‌های مادی، باعث می‌شود تا بسیاری از داشته‌ها به حساب نیاید؛ درست مانند جسمی سالم که در اثر حادثه یا بیماری، قسمتی از آن دچار آسیب شده و در آن زمان قدر سلامتی از دست رفته دانسته می‌شود.ایران اسلامی سرزمینی با تنوع و تکثر آب‌وهوایی و جذابیت‌های بی‌نظیر اقلیمی و دارا بودن خرده‌فرهنگ‌های اصیل و میراث و آیین‌های سنتی بسیاری است که در سالیان اخیر با پیشرفت همه‌جانبه و رونق و درخشیدن علوم، نام میهن را بر تارک عرصه‌های فراملی زبانزد کرده است. جامعه ایران جامعه‌ای متکثر و دارای خرده‌فرهنگ‌های گوناگون است. هر چند که اکثریت شیعی مردم، مابقی ادیان و مذاهب را در اقلیت قرار داده است، اما قومیت‌های گوناگون با آداب و رسوم متفاوت، هر کدام سهمی از فرهنگ جامعه کهن ایران دارند. مدیریت صحیح نیازها و ملاحظات اقوام گوناگون این پدیده، می‌تواند فرصت‌های بی‌بدیلی برای هم‌افزایی هر چه بیشتر در جامعه ایجاد نماید و منجر به وحدت ملی در کشور شود. برشمردن بسیاری از داشته‌ها و نعمت‌های موجود، نافی نقص‌ها و کاستی‌ها در حوزه‌های مختلف مدیریتی نبوده و طرح مباحث اینچنینی به هیچ عنوان سعی بر پوشاندن کمبودها ندارد اما ایجاد روحیه امید و نشاط در دوران معاصر از ضروریات برای گام برداشتن در راه توسعه همه‌جانبه کشور است. بدگمانی به آینده و بی‌اعتمادی به نسل جوان جامعه امروز، دو دستاورد مهم رویکرد منتقدانه در گفتار عمومی و نقد همه‌جانبه امور جاری است. فرهنگ گفتمان بین مردم و انتقال معضلات و مشکلات آنان از طریق رسانه‌ها بر ضرورت فرهنگ‌سازی و اهمیت فرهنگ می‌افزاید. از آنجا که اساساً فرهنگ یکی از مهم‌ترین عوامل تحقق توسعه است و توسعه فرهنگی، هم یکی از پیش‌شرط‌های بنیادی تحقق توسعه و هم یکی از آرمان‌های بنیادی توسعه در هر جامعه است، از همین رو بیشتر صاحبنظران توسعه، از جمله کارگزاران و مسئولان مراکز بین‌المللی مانند سازمان ملل متحد، تأکید خاصی بر توسعه فرهنگ به‌عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل تحقق توسعه دارند. تغییر باورهای دینی، ارزشی، سنتی و مذهبی در بین جوانان و شکستن قبح ضدارزش‌ها و از بین بردن امید به آینده، مهم‌ترین نتیجه ادامه مباحث انتقادی است. بی‌سبب نیست که نظریه‌پردازان غربی طی سالیان اخیر به این نتیجه رسیده‌اند که کشور ایران موزاییکی از اقوام، فرهنگ‌ها، باورها، سلایق و ذائقه‌های متنوع و مختلف است و برای دستکاری فرهنگ آن باید یک سیاست رسانه‌ای شناور را اتخاذ کرد. رویکردی که مبتنی بر لحاظ کردن تغییرات فرهنگی، نسلی و توجه به تفاوت هویت‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی مخاطبان دارد؛ تأکید بر حق گزینش مخاطبان با توجه به دستگاه فکری و علایق اجتماعی و فرهنگی آنان؛ در نظر گفتن ارزش‌ها، منش، اصول فکری و سبک زندگی و الگوهای فکری گروه‌های منزلتی و گروه‌های هویتی، نظیر گروه‌های مذهبی یا گروه‌های قومی و تأکید برجنبه پنهان زندگی روزمره مخاطبان و لحاظ کردن ویژگی‌های جامعه مبتنی بر دانش و اطلاعات در انتقال پیام رسانه‌ای از شاخص‌ترین رویکردهای معاندان و دشمنان پیشرفت همه‌جانبه ایران اسلامی است که با عنوان جنگ نرم رسانه‌ای در حوزه فرهنگ و به منظور از بین بردن بنیان‌های اعتقادی و مذهبی در مطرح نمودن کاستی‌های موجود مورد توجه قرار داده‌اند.

در میهمانی چه می‌گذرد

ضدآفتاب مرغوب



بهاءالدین مرشدی
داستان‌نویس

پیش از آنکه این مطلب را بنویسم اسمش را انتخاب کرده‌ام و گذاشته‌ام «در میهمانی چه می‌گذرد؟» و می‌خواهم به خاطره نسل ما از ایرج طهماسب اشاره کنم که ما را وادار کرد در صف سینما بایستیم تا فیلم سینمایی «کلاه قرمزی و پسرخاله» را تماشا کنیم؛ فیلمی که در اوایل دهه هفتاد ساخته شد و ما بچه‌هایی را که با این عروسک‌ها آشنا بودیم به سینما برد. سینما جای عجیبی است. آن‌وقت‌ها سینمای شهر ما یک سوله بود که صندلی‌های فلزی در آن گذاشته بودند و فیلم نمایش می‌دادند. یادم است سینما شلوغ می‌شد و آن وقت‌ها دهه شصت بود و همین سینمای نصفه نیمه هم خودش صفایی داشت. سینمایی که نخستین فیلمی که در آن دیدم یک فیلم کوتاه بود که بچه‌های شهرم ساخته بودند و راجع به یک مبارز انقلابی بود که ساواک شکنجه‌اش می‌داد و در شش یا هفت سالگی فکر می‌کردم این فیلم چقدر ترسناک است. من سینما را با دیدن فیلم ترسناک شروع کردم اما «پرنده کوچک خوشبختی» نخستین فیلمی بود که در زندگی‌ام دیدم و «مسافران مهتاب» را هم ۱۸ بار در همان سینما تماشا کردم. تا جایی که کارمندهای سینما از من می‌خواستند ادای «نمکی» شخصیت فیلم را درآورم تا مرا به سینما راه بدهند و دوباره فیلم را تماشا کنم.

هیچ‌یک از این فیلم‌ها صف نداشت. اما فیلم «کلاه قرمزی» صفی بود و باید ساعت‌ها در صف می‌ماندی و برای اینکه زودتر ببینیم باید به شیراز می‌رفتیم. سینما سعدی شیراز این فیلم را اکران می‌کرد و ما ساعت‌ها و ساعت‌ها در صف بودیم تا این فیلم را ببینیم، اما بعدها اتفاق شگفت‌تری افتاد و آن هم حضور عروسک‌های بیش‌تر و بیش‌تر در سریال تلویزیونی «کلاه قرمزی» بود. طهماسب انگار می‌خواست همیشه این زندگی را حفظ کند. این خانواده را گسترده کند و بگوید چه خوب است همه‌مان دور هم جمع بشویم و چه خوب است خانواده بزرگ باشد. همه کنار هم باشند و با اختلاف‌هایی هم که دارند همچنان یک‌پارچه عمل کنند.

این نگاه من است به آن مجموعه‌ای که شوربختانه ادامه پیدا نکرد. اما طهماسب بدون عروسک معنایی ندارد. این است که خودش را به شبکه نمایش خانگی رسانده و با ترتیب دادن «مهمونی» خانواده‌ای دیگر را کنار هم جمع کرده و نشان می‌دهد او هنوز و تا همیشه با بچه‌ها و بزرگترها مانده است. حالا دیگر بچه دهه شصتی و نوجوان دهه هفتادی نیستم که با عروسک خوشحال بشوم اما حالا یک آدم میانسال هستم که برای دیدن عروسک‌های سریال «مهمونی» ذوق‌زده می‌شوم و فکر می‌کنم این طهماسب است که می‌خواهد روحیه همه ما را کودک نگاه دارد و لطافت را همراهمان کند، حتی اگر شخصیت «بچه» تخس باشد و شر بودن از سر و رویش ببارد اما همچنان مهربانی را ترویج می‌کند و کودک بودن را به ما نشان می‌دهد و «عزیزم» از دهانش نمی‌افتد؛ بچه‌ای که از کف اجتماع است انگار سختی زیاد کشیده است.

«مهمونی» بیشتر از آنکه در ساخت و تکنیک‌های برنامه‌های میهمان‌محور موفق باشد در نوستالژی ما از «آقای مجری» موفق است که می‌خواهد به ما نشان دهد همچنان با سنت‌های سریال‌سازی می‌شود مخاطب‌ها را راضی کرد و پای تلویزیون نشاند.



دل سپردن به «مناجات‌ها و آوازهای آیینی»

پیشنهاد



رضا مهدوی
موسیقی پژوه و نوازنده سنتور

سید احمد مراتب اصفهانی شاید از آخرین بازماندگان قدیمی مناجات خوانی توأم با موسیقی ردیف دستگاهی در کنار آوازهای آیینی دینی، ملی و مذهبی باشد. پدر و پدربزرگش ازمریدان اهل بیت(ع) و از نامداران موسیقی مذهبی درزمان خود بودند. جدا از آموزه‌ها در محضر عبدالحسین سپهری‌نژاد و محمدرضا شمشیری با مکتب سیدرحیم اصفهانی آشنا شد و جزو اولین شاگردان تاج اصفهانی در مقوله ردیف آوازی بود. ایشان بدرستی لقب «درة التاج» می‌گیرد و به‌عنوان اولین ایرانی بر بام کعبه در سال ۱۳۵۲ مناجات مولا علی(ع)؛ «لک الحمد یا ذالجود والمجد و العلی» در مایه سه‌گاه را می خواند و درسال ۱۳۵۲ به درخواست «امام موسی صدر» در کعبه اذان سر می‌دهد و باز هم به‌عنوان یک ایرانی نخستین نفر محسوب می شود. گفتنی است برای کسب فیوضات بیشتر از فن موسیقی و دقایق و ظرایف بیشتر آواها و آوازها و اشعار آیینی- مذهبی، محفل علامه جلال‌الدین همایی را هم درک کرده اند. این مقدمه کوتاه حاکی از توانمندی و آمادگی ذهنی و بیانی شخصیتی مثل سید احمد مراتب درگردآوری و تولید و نشر چنین مجموعه‌ای کافی است تا نسل‌های علاقه‌مند به چنین الحانی نگرانی فراموشی و از دست رفتن مناجات‌ها و ادعیه‌های مذهبی مبنی بر فرهنگ خاص موسیقایی ایرانیان از دیر باز تا کنون را نداشته باشند؛ فرهنگی آمیخته با هنری آیینی برگرفته از عشق به پیامبر و اهل بیت اش که جزو ملزوماتِ سبک زندگانی خانواده ایرانی در ابعاد چند بعدی ساحتِ معنوی و میراث ملموس هنر دینی جای داشته است. محتوای شنیداری این مجموعه شامل: «مردان خدا» با شعر قاسم رسا در بیات ترک، «شرف مرد»، با شعر سعدی در مایه سه گاه، «نیمه شب» با شعر غلامحسین جواهری درآواز افشار، «تویی آنکه» با شعر صغیر اصفهانی در گوشه شوشتری و آواز اصفهان، «ای که به عشقت» با شعر فؤاد کرمانی در آواز ترک، «قامت را چو قضا» با شعر فؤاد کرمانی در مایه سه گاه «و «نوروجود» با شعرفؤاد کرمانی در آواز دشتی است. سال‌ها پیش خاطره خوشی در سی شب سحری ماه مبارک رمضان در رادیو نغمات آیینی به طور زنده داشتم که استاد مراتب تلفنی به زیبایی این نغمات را می‌خواند و بنده هم در ادامه تحلیل و توضیح موسیقایی به بیان نکاتی می‌پرداختم. ستودنی است توجه و اهتمام حوزه هنری اصفهان به چنین مهمی.



■ **نجوای جان**
■ **مناجات‌ها و آوازهای آیینی**
■ **احمد مراتب**
■ **ناشر: حوزه هنری**
■ **سال: ۱۳۹۹**



عکس نوشت

بیست و نهمین نمایشگاه قرآن همزمان با شب میلاد امام حسن مجتبی علیه‌السلام کار خود را در مصلای بزرگ امام خمینی(ره) آغاز و به‌مدت ۱۴ روز از ساعت ۱۷:۳۰ تا ۲۳:۳۰ در قالب ۴۵ کمیته و بخش نمایشگاهی و صدها غرفه میزبان مشتاقان قرآن و عترت خواهد بود./ ایکنا

دعای روز هجدهم
ماه مبارک رمضان

اللَّهُمَّ نَبِّهْنِي فِيهِ لِبَرَكَاتِ أَسْحَارِهِ وَ نَوِّرْ فِيهِ قَلْبِي بِضِيَاءِ أَنْوَارِهِ وَ خُذْ بِكُلِّ أَعْضَائِي إِلَى اتِّبَاعِ آثَارِهِ بِنُورِكَ يَا مُنَوِّرَ قُلُوبِ الْعَارِفِينَ

خدایا مرا در این ماه به برکت های سحرهایش آگاه کن، و دلم را با روشنایی انوارش روشنی بخش، و تمام اعضایم را به پیروی آثارش بگمار، به نورانیت ای نوربخش دلهای عارفان.



روز هجدهم
ماه رمضان

یک دقیقه با خدا



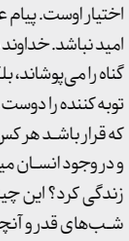
عبدالرحیم سعیدی راد
شاعر و پژوهشگر

ای پروردگار عالمیان!
در این روزهای شگفت رمضان، بیش از همیشه می‌توان تو را در این حوالی دید. به هر طرف که نگاه می‌کنم ردی از مهربانی تو را می‌بینم. در نگاه گرم خورشید، در چشمان سبز درختان، در نوای ترتیل جویبارها، در سکوت زیبای پروانه‌ها و حتی در همخوانی تواشیح زنجره ها...
تو آنقدر خوب و مهربانی که می‌شود از پشت بلندترین دیوارها پنجره دل را باز کرد و با تو درد دل کرد.
ای خدای آفریننده روز و شب!
در هجدهمین روز از ضیافت این ماه عزیز، باران رحمت‌ات را از ما دریغ مدار و نام ما را در زمره دوستان خوب خودت قرار بده. همین.

از بخشیدن خود تا دیگران/ ۱۳

شب‌هایی برای یادگرفتن بخشندگی

یک فنجان چای



آزاده سهرابی
روانشناس

خداوند متعال هم این انتظار که انسان عاری از اشتباه باشد را به عنوان یک پیش فرض برای انسان در نظر نگرفت. در زندگی اجتماعی و مراودات میان فردی نیز هیچ انسانی عاری از اشتباه و خطا نیست. حتی انسان در حق خود ناخواسته می‌تواند مرتکب خطاهایی شود که آسیب به همراه داشته باشد. موضوع اصلی این است که آیا ما گمان می‌کنیم راه برای اصلاح و بازگشت از اشتباه بسته است؟ آیا توانایی عذرخواهی صمیمانه و از صمیم قلب برای آسیبی که زده‌ایم و خطایی که کرده‌ایم را داریم؟ آیا توانایی این را داریم دیگر الگوی اشتباهی که بر آن آگاه شده‌ایم را تکرار نکنیم؟ و آیا قادر به بخشیدن هستیم؟ البته که از نظر ساز و کارهای روانی پاسخ به هیچ کدام از این سؤالات ساده نیست یا بهتر است بگوییم عمل به آنها ساده نیست. اما در هر صورت قدم اول شناخت مسأله است، شناخت خطا و اشتباه. خداوند در سوره طه آیه ۸۲ می‌فرماید «إِنِّي لَغَفَّارٌ لِمَنْ تَابَ» یعنی «من می آمرزم کسی را که توبه کند» این همان عملی است که این شب‌های قدر مسلمانان در درگاه خدا انجام می دهند. توبه کردن بدون اینکه بر خطا آگاه شد مگر شدنی است؟ پس خداوند که قادر مطلق است و آگاه بر تمام اعمال بشر خواسته‌اش را بر بخشیدن انسان بنا نهاده است. شرطی که برای آن گذاشته اما توبه است یعنی دیدن خطا و گناه و تصمیم برای عدم تکرار آن. نکته مهم این است که حتی اگر بنده خدا ده بار هم توبه کند باز خدا او را می‌بخشد. یعنی اگر آگاه بر گناه خود باشد، توبه کند اما بلغزد و بار دیگر توبه کند بخشیده می شود و این همان مسیری است که در نهایت انسان را به سمت صلاح می کشاند چون مسیر امید به بخشیده شدن بسته نشده هیچ وقت. هر چند خداوند خلوص را در عمل توبه کردن، می‌فهمد و این خلوص و نیت بر عدم تکرار گناه اصلی مهم برای بخشیده شدن از جانب اوست و ما انسان‌ها به سختی قادریم خلوص کسی که به ما آسیبی زده یا حقی را ناحق کرده است تشخیص بدهیم و عموما برای اینکه فرد دوباره مرتکب آن اشتباه نشود به سمت نبخشیدن می‌رویم، اما شاید آنچه بیش از هر چیز در شب‌های قدر برای انسان آموزنده است این باشد که اگر راه امید به بخشیده شدن را به روی کسی ببندیم چگونه می‌توان از اصلاح او مطمئن شد؟ خداوند امید به بخشیده شدن را هیچ گاه روی بندگانش نمی‌بندد در حالیکه کل قوانین عالم در اختیار اوست. پیام عفو و بخشش الهی چیزی جز این نیست که «انسان نا امید نباشد. خداوند با عفو و بخشش خود، نه تنها گناهان را می‌بخشد و اثر گناه را می‌پوشاند، بلکه انسان را مورد لطف و محبت خویش قرار می‌دهد و توبه کننده را دوست دارد.» در صحنه زندگی روزمره فقط بیایید تصور کنیم که قرار باشد هر کس خطایی در حق دیگری می کند با انتقام روبه‌رو شود و در وجود انسان میل به بخشش نباشد، آیا در چنین جامعه‌ای می شود زندگی کرد؟ این چیزی نیست که خداوند برای انسان مقدر کرده باشد که شب‌های قدر و آنچه در پیام این شب‌ها نهاده شده چراغ روشنی برای مسیر زندگی انسان است که: ببخشد! «قرآن کریم حتی در همان آیاتی که کیفر و مجازات را برای مجرمان و گناهکاران تشریح می کند و مؤمنان را از خطر و زیان آنان برحذر می‌دارد، گذشت و چشم پوشی از خطایشان را نیز به عنوان یک ارزش برتر مطرح می‌سازد.» گناه، خطا، ناعدالتی، ظلم و حقی را ناحق کردن حتماً امری ناپسند است و بدون مجازات نیست اما در دنیایی که عوامل درونی و بیرونی بسیاری انسان را به سمت مسیرهای ناصلاح می‌کشاند جز اینکه برای خطاکار راه اصلاح و امید به بخشش را باز بگذاریم چگونه انسانی خواهیم بود؟ شاید این شب‌ها وقتی به درگاه خدا توبه می‌کنیم و طلب عفو داریم بد نباشد به خودمان نگاه کنیم و ببینیم چقدر درونمان بخشندگی وجود دارد.



نـــگاره
نیما شاه‌میری

مراقب محیط زیست باشیم

هنرمندان در فضای مجازی

فضای مجازی اهالی فرهنگ و هنر خبر از نمایش و آلبوم‌های جدید هنرمندان این عرصه خبر داده که برخی از آنها در حال اجراست و تعدادی دیگر بعد از ماه مبارک منتشر یا اجرا و اکران می‌شود.

■ **چهره‌ها**



علی عمرانی بازیگر نقش رضی در سریال «خسوف» که این روزها از شبکه نمایش خانگی (نماوا) در حال پخش است، از علاقه‌مندان و مخاطبان این سریال تقاضا کرد: «اگر مجموعه خسوف رو دیدید، خوشحال می‌شم نظرتونو بدونم.»



کارن همایونفر آهنگساز، که این شب‌ها در برنامه عصرجدید به عنوان داور حضور دارد، تصاویری از ستاره‌ها و سیاره‌ها منتشر کرده و در شرح آن نوشت: «یک نوری از دوردست هم بد نیست گاهی برای انسان، حتی لازم است.»



رامین صدیقی از انتشار آلبوم «گاه‌فراموشی» تازه‌ترین همکاری هنری «همایون شجریان» و «فردین خلعتبری» خبر داده که اردیبهشت ماه منتشر خواهد شد. نوازندگان این آلبوم «بیورن مه‌یر»، «کلاوس گزینگ»، «کارلو نیدرهاوزر» و «فردریک ژیل» هستند و فردین خلعتبری این قطعات را روی سروده‌هایی از خود تصنیف کرده است. صدیقی مشاور تهیه‌کننده این کار است به آهنگسازی و شعری از فردین خلعتبری.

■ **دیگه چه خبر!**



سردیس اصغر محمدی گرافیست، نقاش و طراح نشان شورای کتاب کودک که ۳۰ سال نزد نوش آفرین انصاری دبیر شورای کتاب کودک نگهداری شد، به موزه گرافیک ایران سپرده شد. خبری که شورای کتاب کودک اعلام کرده و به صحبت‌های نوش آفرین انصاری دبیر این شورا اشاره کرده: «استاد اصغرمحمدی در سال ۱۳۴۷ نشان شورای کتاب کودک را طراحی کردند. سردیس این هنرمند ارجمند به مناسبت نخستین نمایشگاه هنرمندان به نفع فرهنگنامه کودکان و نوجوانان از سوی استاد ارجمند محمدعلی مددی به نمایشگاه و سپس به شورای کتاب کودک سپرده شد. سرکار خانم معصومه سهراب(مافی) از من درخواست کردند این اثر را حفظ کنم تا روزی به موزه‌ای که شایسته حفظ آن است، اهدا شود. بعد از مشورت با هیأت مدیره تصمیم گرفته شد به موزه گرافیک تقدیم شود تا گروه زیادی از هموطنان این سردیس را ببینند و با آقای اصغر محمدی بیشتر آشنا شوند.»



نمایش «ماجرای آلمان» به تهیه‌کنندگی دانشگاه نبی‌اکرم(ص) تبریز و کارگردانی وحید فرشی نژادیان، از ۱۵ فروردین ماه هر شب ساعت ۲۲ در تئاتر شهر تبریز در حال اجراست. صفحه شخصی گروه تئاتر پیاده به این کاراشاره کرده و در این باره نوشته «قطعاً این نمایش بدون همت و تلاش دانشجویان و اساتید دانشگاه نبی‌اکرم(ص) و هنرجویان تئاتر این شهر به ثمر نمی‌رسید. سپاس از تمام گروه جوان و پر انرژی ماجرای آلمان که بیش از ۷ ماه برای به صحنه رفتن این نمایش از هیچ تلاشی دریغ نکردند.»



صفحه منتسب به استاد محمدرضا شفیعی کدکنی تصویری از نوش‌آفرین انصاری و مهدی محقق منتشر کرده که برداشتی از صفحه افسانه احسانی فعال اکوتوریسم است: «در یوسف آباد کوچه‌ای به نام خود دارد، کوچه شانزدهم، ولی خانه‌اش در کوچه دیگری است که نام همسرش استاد محقق بر آن است.چقدر دلگرم کننده است که کوچه‌هایی با نام‌های وزینی از جنس آنها داریم....»

نمایش دیگری که این شب‌ها در حال اجراست، «شب شک» نام دارد با تهیه‌کنندگی نوید محمدزاده و کارگردانی امیرحسین بریمانی. این نمایش، اثری سریالی است که هر شب روایتگر یک داستان متفاوت است. خبری که نیما شکیبایی بازیگر این نمایش در صفحه خود منتشرکرده و از سیزن ۲ این کار خبرداده که که تا ۵ اردیبهشت در پردیس تئاتر شهرزاد روی صحنه است.



«عشق روزهای کرونا» نمایش دیگری است که از ۱۴ اردیبهشت سال جاری در پردیس تئاتر شهرزاد روی صحنه می‌رود. خبری که گروه نمایش پرچین منتشرکرده. قصه «عشق روزهای کرونا» برگرفته شده از رمان «عشق سال‌های وبا» گابریل گارسیا مارکز است به کارگردانی محمد رحمانیان و تهیه کنندگی علی اوجی. احترام برومند، مهتاب نصیرپور، مهدی ساکی، میترا حجار، اندیشه فولادوند، نرگس محمدی، علی اوجی و...در این نمایش به ایفای نقش می‌پردازند. رضا یزدانی هم خواننده این اجراست.

■ **دنیای نشر**

نشر ثالث در راستای سیاست‌های خود متناسب با نیازها و حساسیت‌های علمی و فرهنگی جامعه، گزیده‌ای از کتاب‌های مجموعه «چه می‌دانم؟» را ترجمه و منتشر می‌کند. کتابی دیگر از این مجموعه با عنوان «تعدد فرهنگی» بزودی منتشر می‌شود و در صفحه شخصی این انتشارات به تعدادی از این کتاب‌ها اشاره داشته است.